

# از افاضات «چلبی»های وطنی!

محمود بهنام

با تشدید تخاصمات بین رژیم جمهوری اسلامی و دولت جرج بوش، فعالیت‌های «احمد چلبی»های ایرانی هم فزونی می‌یابد. روزنامه نگار ایرانی، امیر طاهری، طی مقاله‌ای مدعی شد که رژیم اسلامی در ایران قانونی گذرانده یا می‌خواهد بگذراند که، بر اساس آن، یهودیان ایرانی ناگزیر به پوشیدن لباس‌های منقش به ستاره زرد خواهند شد. این نوشته نخستین بار در روزنامه کانادایی «نشال پست» در ماه مه گذشته به چاپ رسید و بعد از آن هم در نشریات دیگر، از جمله روزنامه «نیویورک پست»، در «وبلاگ»ها و رادیوهای مختلف چاپ و پخش شد. برخی از این نشریات هم، علاوه بر نقل مقاله، عکس‌هایی نیز از یهودیان ملبس به لباس‌های دارای ستاره زرد مربوط به دوران آلمان نازی به چاپ رساندند تا قرینه سازی مورد نظر خود را تکمیل نمایند.

رژیم حاکم بر ایران تاکنون جنایات بی‌شماری مرتکب شده و در صورت ادامه حاکمیت شوم آن می‌تواند بر فهرست جنایات خود نیز بیفزاید. علاوه بر سرکوب و اختناق که بر عموم مردم ایران تحمیل می‌شود. اقلیت‌های مذهبی و قومی و از جمله هموطنان کلیمی ما هم، فشارها و تضيیقات مضاعفی را متحمل می‌شوند. اما خبری که امیر طاهری مدعی آن شده بود، توسط هیچ کدام از خبرگزاری‌ها، منابع مستقل خبری، ناظران مسائل ایران و یا کسانی که به ایران رفت و آمد می‌کنند، تأیید نشد و معلوم گردید که این خبر کاملاً ساختگی است. روزنامه کانادایی تکذیبیه آن را چاپ و از خوانندگانش عذرخواهی کرد ولی بسیاری دیگر از رسانه‌ها این کار را نکردند. برپایه گزارش تحقیقی که «لاری کهلر - ایز»، از سردبیران هفته‌نامه نیویورکی «جوئیش ویک»

تهیه کرده و در مجله آمریکایی «نیشن» (۳ ژوئیه ۲۰۰۶) به چاپ رسیده است، نه تنها این خبر جعلی بوده بلکه جاعل آن هم سوابق زیادی در زمینه این نوع جعلیات دارد. نمونه دیگری از آنها، مقاله‌ایست که طاهری در سال گذشته میلادی در روزنامه «نیویورک پست» چاپ کرد و ضمن آن مدعی شد که محمد جواد ظریف، سفیر فعلی رژیم در سازمان ملل، یکی از دانشجویان فعال در گروگانگیری کارکنان سفارت آمریکا در سال ۱۹۷۹ بوده است. بر اساس تحقیق از استادان معلوم گردیده که فرد مذکور، در آن ایام در یکی از دانشگاه‌های کالیفرنیا مشغول تحصیل بوده و، بنابراین ادعای طاهری بی‌پایه بوده است.

طبق این گزارش، طاهری در سال ۱۹۸۸ کتابی با عنوان «لانه جاسوسان»، درباره حکومت شاه و سقوط آن منتشر کرد که مورد استقبال برخی مطبوعات آمریکایی هم قرار گرفت. اما شائول بخاش (که مدت‌ها از نویسندگان «کیهان انگلیسی» بوده و کتابی هم درباره انقلاب ایران نوشته است) با درج نقد مفصلی از کتاب طاهری، در مجله آمریکایی «نیوریابلیک» پته او را به روی آب ریخت.

شائول بخاش، که اکنون استاد تاریخ در دانشگاه «جرج میسون» است، مورد به مورد خطاها و جعلیات نویسنده کتاب «لانه جاسوسان» را در آن مقاله بر شمرد: ارجاع به منابعی که اصلاً وجود خارجی ندارند، جعل مطالب در مواردی که منابع قابل مراجعه وجود دارد، تحریف کامل برخی مطالب نقل شده از منابع موجود و... به طوری که حتی در موردی طاهری خواننده را به یکی از مقالات قبلی خود ارجاع می‌دهد ولی در آن مقاله هم، مطلبی که در کتاب نقل شده یافت نمی‌شود! بخاش در پایان نقد خود نتیجه‌گیری کرد که «این از آن دسته کتاب‌هایی است که موجب بدنامی (رشته) تاریخ معاصر می‌شود». طاهری دو ماه بعد مبادرت به چاپ جوابیه‌ای به این نقد کرد ولی نتوانست انتقادات آن را رد کند.

به نوشته گزارش مذکور، واسطه امیر طاهری در پخش و چاپ مقالاتش، مؤسسه روابط عمومی «بنادور» است که کارش توزیع مقالات نویسندگان مورد نظر در بین روزنامه‌ها و رسانه‌های مختلف، اعزام سخنران به مراسم، برگزاری کنفرانس و نظایر اینهاست. چهره‌های سرشناس محافظه کاران افراطی آمریکا، مانند «ریچار پلر» و «مایکل له‌دن»، در زمره مشتریان و فعالان این مؤسسه قرار دارند. با آن که ساختگی بودن برخی مطالب طاهری برملا

شده است، ولی این مؤسسه همچنان به حمایت از وی و پخش مقالاتش ادامه می‌دهد. طاهری که گهگاه سفرهایی هم به عراق و برخی دیگر از کشورهای خاورمیانه می‌کند، اخیراً هم به عنوان «کارشناس عراق» مورد مشورت مقامات «کاخ سفید» قرار گرفته است. طبق این گزارش، مؤسسه «بنادور»، در ارتباط با محافل راست افراطی آمریکا، یکی از مراکز فعال در پخش و نشر اخبار و گزارش‌های مربوط به عراق (و از جمله سلاح‌های کشتار جمعی عراق) برای زمینه سازی تهاجم نظامی آمریکا به آن کشور بوده است که اکنون هم می‌کوشد همان نقش را در مورد آماده سازی افکار عمومی، برای تهاجم احتمالی علیه ایران ایفا کند.

امیر طاهری، در دوره رژیم شاه، خبرنگار مجله «روشنفکر» بود که با اخذ بورسی برای گذراندن یکی دوره روزنامه نگاری به آمریکا رفت. بعد از بازگشت به ایران، در روزنامه «کیهان» مشغول کار شد و در اندک مدتی به سردبیری این روزنامه منصوب شد، در حالی که روزنامه نگاران پُر تجربه و با سواد دیگری در آن مؤسسه وجود داشتند. در هر حال وی در این دوره فوت و فن تحریف و جعل در کار روزنامه نویسی، خصوصاً در مورد تبلیغ و تعظیم رژیم شاه را به خوبی فراگرفت. یکی از «شاه‌کار»های او در آن ایام، ترتیب دادن مصاحبه‌ای اختصاصی با خود شاه بود که به عنوان «مصاحبه‌ای استثنایی با فرماندهی استثنایی»، در سال ۱۳۵۶ به ضمیمه روزنامه کیهان چاپ شد. در این مصاحبه، طاهری تلاش کرده بود که مدح و ثنای بی‌حد از شاه و «تمدن بزرگ» او را، با استفاده از شگردهای ژورنالیستی با ظاهری مقبول، به خورد خوانندگان بدهد.

فهرست تبه‌کاری‌های رژیم اسلامی به قدری طولانی و آشکار است که هیچ نیازی به اخبار و گزارش‌های ساختگی نیست. جعل و تحریف هم، در واقع، یکی دیگر از شگردهای این رژیم تبهکار و دیگر رژیم‌های خودکامه است. توسل به جعل و تحریف اگرچه می‌تواند مزد و موجب و موقعیتی را نصیب امیر طاهری و سایر «چلبی»های وطنی بکند ولی نهایتاً به نفع رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی تمام می‌شود.

